

Criminalization of Bribery in the Private Sector: Necessities, Foundations, Challenges, and Methods

1. Ehsan Saleh*: PhD Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Meybod Branch, Islamic Azad University, Meybod, Iran. Email: ehsan.saleh@iau.ac.ir (Corresponding Author)

ABSTRACT

Bribery is one of the most significant manifestations of financial corruption and has been criminalized in most countries. Bribery is generally associated with the public sector, including both judicial and non-judicial institutions. Private-sector bribery, however, constitutes a serious problem that the Iranian legislature has not comprehensively addressed under the country's existing laws. Instead, in response to changing circumstances, the legislature has merely criminalized the acceptance of bribes by certain individuals operating in the private sector. This is despite the fact that international conventions—particularly the United Nations Convention against Corruption, also known as the Mérida Convention, which has been approved by Iran's Expediency Discernment Council—emphasize the criminalization of private-sector bribery. Furthermore, based on Islamic jurisprudential principles, including the general prohibition of bribery and the principle of *al-ta'zīr li-kull ḥarām*—according to which every prohibited act may be subject to discretionary punishment—the criminalization of this pernicious phenomenon is consistent with Islamic legal standards. The drafters of the 2022 Ta'zirat Bill have acknowledged this legislative gap and sought to criminalize this harmful practice. The proper criminalization of private-sector bribery requires a clear explanation of such matters as the legal status of bribery in the private sector, the necessities and foundations of its criminalization, the challenges facing such criminalization, and the methods through which private-sector bribery may be criminalized. This article seeks to address these issues.

Keywords: *active bribery, passive bribery, Mérida Convention, private sector, unlawful appropriation of property, person entrusted with a public service*

How to cite: Saleh, E. (2025). Criminalization of Bribery in the Private Sector: Necessities, Foundations, Challenges, and Methods. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(3), 381-398.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 24 January 2025
Revise Date: 04 September 2025
Accept Date: 11 September 2025
Publish Date: 23 September 2025



جرم انگاری رشوه در بخش خصوصی ضرورت‌ها، مبانی، چالش‌ها و روش‌ها

۱. احسان صالح*: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران. پست الکترونیک: ehsan.saleh@iau.ac.ir (نویسنده مسئول)

چکیده

رشوه از مهمترین جلوه‌های فساد مالی بوده و در اکثر کشورها جرم انگاری گردیده است. رشوه عمدتاً مربوط به بخش دولتی اعم از قضایی و غیرقضایی است. اما ارتشاء خصوصی معضل جدی است که قانونگذار ایران در قوانین جاری کشور به طور کامل با آن برخورد نداشته و با توجه به مقتضیات زمان صرفاً به جرم انگاری رشوه خواری برخی از اشخاص بخش خصوصی اشاراتی داشته است. این در حالی است که کنوانسیون‌های بین‌المللی به ویژه کنوانسیون مریدا که مورد تایید مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفته بر جرم انگاری آن تاکید نموده است. علاوه بر آن، باتوجه به مبانی فقهی از جمله اطلاق حرمت رشوه و قاعده التعزیر لکل حرام، جرم انگاری این پدیده شوم منطبق با موازین شرعی می‌باشد. واضعین لایحه تعزیرات ۱۴۰۱ این خلا را مورد پذیرش قرار داده و به دنبال جرم انگاری این پدیده شوم می‌باشند. اگر بخواهیم جرم انگاری صحیحی در این زمینه داشته باشیم لازم است اموری از قبیل جایگاه جرم رشوه در بخش خصوصی، ضرورت‌ها و مبانی جرم انگاری آن، چالش‌های فراروی آن و روش‌های جرم انگاری رشوه در بخش خصوصی به خوبی تبیین شود. امری که این مقاله متصدی آن می‌باشد.

واژگان کلیدی: رشاء، ارتشاء، کنوانسیون مریدا، بخش خصوصی، اکل مال به باطل، مأمور به خدمت عمومی

نحوه استناددهی: صالح، احسان. (۱۴۰۴). جرم انگاری رشوه در بخش خصوصی ضرورت‌ها، مبانی، چالش‌ها و روش‌ها. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۳)، ۳۹۸-۳۸۱.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۵ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۳ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۰ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ مهر ۱۴۰۴

با وجود اینکه رشوه یکی از اصلی‌ترین عوامل فساد اداری محسوب می‌شود، اما رشوه خصوصی در کشورهای مختلف یا مورد جرم‌انگاری واقع نشده و یا اگر مورد جرم‌انگاری واقع شده، برخورد با آن بسیار ضعیف بوده است؛ با اینکه مبانی حقوقی و مستندات فقهی منعی در جرم‌انگاری رشوه در بخش خصوصی ندارد. باین‌وجود، قانون‌گذار ایران تا زمان حاضر این پدیده شوم را به‌طور خاص جرم‌انگاری ننموده است؛ گرچه همان‌گونه که در ادامه خواهیم دید، به‌طور جزئی و بسیار ناقص در ماده ۵۸۸ ق.م.ا. ۱۹۹۶ و ماده ۳ قانون تشدید جرم‌انگاری نموده است. اما با توجه به گسترش بخش خصوصی، این جرم‌انگاری ناقص کافی نبوده؛ لذا قانون‌گذار در لایحه تعزیرات ۲۰۲۲ به دنبال جرم‌انگاری جامع رشوه در بخش خصوصی است.

لذا در این مقاله توصیفی - تحلیلی، با کمک روش کتابخانه‌ای، به تحلیل جرم‌انگاری در بخش خصوصی در هفت مبحث می‌پردازیم: در مبحث اول، با توجه به اهمیت لفظ در عالم حقوق و وجود ابهام فراوان در مفاهیم مرتبط با رشوه، مفاهیم مهم مورد واکاوی قرار می‌گیرد و در مبحث دوم، جایگاه ارتشای خصوصی در حقوق ایران، اسناد بین‌المللی و برخی کشورهای دیگر مورد واکاوی قرار می‌گیرد؛ تا روشن گردد ارتشای خصوصی در حقوق ایران در حال حاضر به‌صورت ناقص و مبهم مورد جرم‌انگاری قرار گرفته و با توجه به اسناد بین‌المللی و مقتضیات حاکم، نیاز به جرم‌انگاری دقیق آن است. در مبحث سوم، ضرورت جرم‌انگاری؛ در مبحث چهارم، مبانی فقهی و حقوقی؛ در مبحث پنجم، چالش‌ها و موانع؛ در مبحث ششم، شیوه‌های جرم‌انگاری؛ و در نهایت، در مبحث هفتم، عملکرد قانون‌گذار در لایحه تعزیرات ۲۰۲۲ مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پیش از ورود به بحث، تذکر دو نکته ضروری است:

نکته اول. از حیث نظریه‌پردازی در خصوص ارتشای خصوصی و دولتی، سه دیدگاه مطرح است: گروهی عنوان داشته‌اند که مقامات دولتی وظایفی را انجام می‌دهند که مربوط به آحاد جامعه است و خدمات بخش خصوصی شامل گروه اندکی از افراد جامعه است؛ لذا اگر رشوه خصوصی جرم‌انگاری گردد، قبح عمل از بین می‌رود. گروه دوم بر این عقیده هستند که رشوه خصوصی و دولتی هر دو باید جرم‌انگاری شوند، اما میزان مجازات در رشوه خصوصی بایستی کم‌رنگ‌تر از بخش دولتی باشد؛ و گروهی دیگر اعلام داشته‌اند که تفاوتی بین بخش خصوصی و دولتی نیست و بایستی یک عنوان مجرمانه برای هر دو در نظر گرفته شود و حتی اتاق بازرگانی بین‌المللی نیز بر این موضوع تأکید داشته است. به نظر می‌رسد این نظریه دارای ارجحیت است (Mir Mohammad Sadeqi, 2021). مقاله حاضر نیز درصدد تثبیت آن است.

نکته دوم. جرم رشوه سه ضلع دارد: دهنده، گیرنده و واسطه (راشی، مرتشی و رانش). در این مقاله، واژه رشوه در معنای عام رشوه دادن و رشوه گرفتن (رشا و ارتشا) است. طبعاً با جرم‌انگاری رشوه، عمل واسطه در این جرم مشمول عنوان معاونت در جرم خواهد بود و نیازمند جرم‌انگاری خاص نیست.

تعاریف

رشوه

رشوه کلمه‌ای عربی از ریشه «رشو» و به معنای مزد یا پاره است و معنای کود و خاشاک نیز برای آن برگزیده شده است (Moein, 1998). وجه تسمیه رشوه با کود و خاشاک آن است که همان‌طور که کشاورزان زمین را به وسیله کود و خاشاک آماده زراعت می‌نمایند، اشخاص نیز با پرداخت رشوه زمینه لازم را برای رسیدن به مقصود خویش فراهم می‌سازند. برخی از لغت‌دان‌ها در تعریف رشوه نوشته‌اند: «ما يعطی شخص الحاكم او غيره ليحكم له او يحمله على ما يريد» (Zabidi, 1960). رشوه چیزی است که شخص به حاکم یا غیر او می‌دهد تا به نفع او حکم کند یا چیزی را که مدنظر دارد انجام دهد. از دید تطبیقی، رشوه دادن عوض به عامل شرکت خصوصی بدون اطلاع مافوق وی است، به طوری که در تصمیمات بخش خصوصی اثرگذار باشد (Callmann, 1968).

بخش خصوصی

در قوانین، تعریفی از بخش خصوصی ارائه نگردیده است و برای شناخت آن لازم است به پیروی از قاعده «تُعَرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَصْدَادِهَا»، بخش دولتی و عمومی غیردولتی را تعریف نماییم. با توجه به قانون تجارت و قانون مدیریت خدمات کشوری، بخش دولتی اعم از اشخاص حقوقی است که بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن‌ها متعلق به دولت است و بخش عمومی غیردولتی اشخاصی هستند که به حکم مجلس قانون‌گذار تشکیل گردیده‌اند، اما بیش از ۵۰ درصد از سرمایه آن‌ها متعلق به بخش غیردولتی است. می‌توان گفت منظور از بخش خصوصی آن دسته از اشخاص حقیقی یا حقوقی است که رابطه اداری و استخدامی با دولت نداشته و از امتیازات بخش دولتی بی‌بهره بوده و به فعالیت‌های شخصی و سودجویانه می‌پردازند. بخش خصوصی، برخلاف اشخاص دولتی و عمومی غیردولتی، می‌تواند شامل هر دو شخص حقیقی و حقوقی گردد. اشخاص حقوقی بخش خصوصی با توجه به هدف سودجویانه خویش به دو قسم تجاری و غیرتجاری تقسیم می‌گردند و اشخاص غیرتجاری نیز با توجه به میزان توجه به سود، به دو دسته مؤسسات انتفاعی غیرتجاری و مؤسسات غیرانتفاعی خصوصی تقسیم می‌گردند.

مأمور به خدمت عمومی

یکی از واژگان بسیار اساسی در بحث حقوق جزا و حقوق اداری، واژه مأمور به خدمت عمومی است که سنگ‌بنای آن در حقوق فرانسه شکل گرفته و بر اساس نظریه خدمات عمومی که در فرانسه طرفدارانی دارد، وارد حقوق اساسی ما شده است (Vaezi & Alborzi, 2017). در رویه قضایی همیشه این سؤال مطرح است که منظور از مأمور به خدمت عمومی چه کسانی هستند. پاسخ بدین پرسش کار آسانی نیست. در این زمینه نظریات مختلفی ارائه شده است. نگارنده در ابتدا به تشریح نظرات پرداخته و در انتها نظر شخصی خویش را بیان می‌دارد. در تعریف مفهوم مأمور به خدمت عمومی، دو نظر مطرح است:

نظر یکم: لفظ مأمور به خدمت عمومی در ماده ۳ قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمورین به خدمت عمومی مصوب ۱۹۳۶ تعیین گردیده است. به عبارتی، مستند به ماده ۳ قانون مذکور، مأمورین به خدمات عمومی کسانی هستند که در مؤسسات ذیل خدمت می‌کنند: ۱- مؤسسات خیریه که بر حسب ترتیب وقف یا وصیت، تولید آن‌ها با پادشاه عصر است. ۲- مؤسسات خیریه و مؤسسات عام‌المنفعه که دولت یا شهرداری اداره می‌کند یا تحت نظر دولت اداره می‌شود. ۳- مؤسسات انتفاعی دولت یا مؤسسات انتفاعی دیگر که تحت نظر دولت اداره می‌شود.

طرفداران این نظر در پاسخ به این ایراد که قانون مذکور به موجب ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری نسخ گردیده است، اعلام می‌دارند قانون مذکور در سال ۲۰۱۵ نسخ گردیده و قبل از آن، قانون‌گذار زمانی که از لفظ مأمور به خدمت عمومی استفاده می‌نماید، به قانون مذکور توجه داشته است؛ لذا نسخ قانون در سال ۲۰۱۵ در مفهوم مقررات سابق التصویب اثری ندارد (Mansourabadi, 2021).

نظر دوم: نظر دیگر آن است که تعریف مأمور به خدمت عمومی با توجه به نظریه مأمور به خدمت عمومی مشخص می‌گردد. نظریه خدمات عمومی اعلام داشته است مأمور به خدمت عمومی اشخاصی هستند که در نهادهای دولتی یا خصوصی، زیر نظر نهاد عمومی غیردولتی، به انجام یک یا چند فعالیت عمومی که جنبه عام‌المنفعه دارد، می‌پردازند.

نگارنده معتقد است با توجه به آنکه قانون‌گذار در سال ۲۰۱۵ به نسخ قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمور به خدمت عمومی پرداخته است، به دنبال حذف کلیه مفاد قانون مذکور بوده است؛ لذا با توجه به آخرین اراده قانون‌گذار، نمی‌توان به مفهوم منسوخ مأمور به خدمت عمومی توجه داشت.

جایگاه جرم رشوه در بخش خصوصی در ایران، اسناد بین‌المللی و برخی کشورها

ایران

قانون‌گذار ایرانی در قوانین جاری کشور، مقرر جامعی در خصوص ارتشای خصوصی معین ننموده و تنها در دو مورد جرم‌انگاری ناقصی انجام داده است:

۱. ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۹۹۶ به جرم‌انگاری رشوه در خصوص کارشناسان، داوران، ممیزان و اشخاصی که به آن‌ها وجه یا مالی تحت عنوان مودی پرداخت می‌شود، مبادرت کرده است که از مصادیق بارز ارتشا در بخش خصوصی است و نشان می‌دهد قانون‌گذار نیز در سال ۱۹۹۶ بر جرم‌انگاری ارتشا در بخش خصوصی نظر داشته، اما با توجه به مقتضیات زمان، ارتشای خصوصی را صرفاً در خصوص کارشناسان، داوران و ممیزان به‌طور خاص جرم قلمداد نموده است.

۲. در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری نیز به لفظ مأمور به خدمت عمومی پرداخته شده است که با توجه به مطالبی که در تعریف لفظ مأمور به خدمت عمومی اشاره شد، می‌توان گفت قانون‌گذار در مورد برخی اشخاص خصوصی به جرم‌انگاری رشوه پرداخته است.

بااین‌وجود، رویه قضایی با توجه به مقتضیات زمان و توجه به ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۹۹۶، به دنبال آن است تا با تفسیر واژه مأمور به خدمت عمومی و سرایت آن به بخش خصوصی، خلأ قانونی را جبران نماید و رأی وحدت رویه ۷۹۸ دیوان عالی کشور نیز مؤید این دیدگاه است. لازم به ذکر است که گرچه رأی وحدت رویه ۷۹۸ دیوان عالی کشور ارتباطی به رشوه‌خواری ندارد، اما با توجه به مصداق مأمور به خدمت عمومی در این رأی وحدت رویه، می‌توان نتیجه گرفت رویه قضایی به دنبال پر کردن خلأ قانونی عدم جرم‌انگاری دقیق ارتشا در بخش خصوصی است.

با همه این موارد، این خلأ قانونی نیازمند عملکرد قوه مقننه است که در لایحه تعزیرات ۲۰۲۲ سعی بر پر کردن این خلأ شده است.

اسناد بین‌المللی

بررسی تمام اقدامات بین‌المللی در خصوص فساد از حوصله این مقاله خارج است؛ لذا در این پژوهش صرفاً به تلاش‌های مهم سازمان ملل متحد در خصوص فساد می‌پردازیم. از سال ۱۹۹۶ میلادی، با اعلام گزارش‌هایی مبنی بر پرداخت نامشروع، توجه سازمان ملل متحد به بحث

رشوه تقویت گردید و سبب تصویب اعلامیه سازمان ملل علیه فساد عمومی و رشوه‌خواری شد. گرچه این اعلامیه الزام‌آور نبوده است، اما مقررات آن در خصوص رشوه در قوانین داخلی بسیاری از کشورها کاربرد دارد (Afoso & Delbio, 2005). معذک، تلاش‌های سازمان ملل متحد در خصوص تنظیم اسناد بین‌المللی در مبارزه با فساد سبب تصویب دو سند مهم بین‌المللی گردید که عبارت‌اند از کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) و کنوانسیون مبارزه با فساد (مریدا).

کنوانسیون پالرمو: کنوانسیون پالرمو یک معاهده چندجانبه است که در سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید و تا سال ۲۰۰۳ نزدیک به ۱۸۴ کشور به آن پیوستند. اما جمهوری اسلامی ایران، با توجه به اینکه کنوانسیون در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، ولی شورای نگهبان آن را غیرشرعی قلمداد نمود و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با تأیید نظر شورای نگهبان بر رد این کنوانسیون اقدام نمود، به آن ملحق نگردید. این کنوانسیون در مواد ۸ و ۹ به جرم‌انگاری و تدابیر مقابله با فساد پرداخته است. در ماده ۸ از لفظ مقام عمومی استفاده شده است که علاوه بر اشخاصی که دارای رابطه استخدامی با دولت هستند، اشخاصی را که کارمند دولت محسوب نمی‌شوند، اما به خدمات عمومی می‌پردازند نیز دربرمی‌گیرد.

کنوانسیون مریدا: کنوانسیون مریدا در سال ۲۰۰۳ میلادی به تصویب رسید و جمهوری اسلامی ایران با تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام در حل اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، در تأیید نظر مجلس شورای اسلامی در تصویب این کنوانسیون گام برداشت. برخلاف کنوانسیون پالرمو که در خصوص ارتشای خصوصی به‌طور دقیق بحث ننموده است، در کنوانسیون مریدا در مواد ۱۲ و ۲۱ به این معضل پرداخته شده و شرایط برای همکاری دولت‌ها و مقابله با فساد فراهم شده است (Nazari Monazzam & Vatankhah, 2016). مواد ۱۲ و ۲۱ بر این امر اشاره دارند:

ماده ۱۲: «... هر کشور عضو، طبق اصول اساسی قوانین داخلی خود، اقداماتی را اتخاذ خواهد نمود تا از فساد بخش خصوصی جلوگیری کند، استانداردهای حسابرسی و ممیزی را در بخش خصوصی ارتقا دهد و در صورت اقتضا، مجازات‌های مؤثر و بازدارنده مدنی، اداری یا کیفری مناسب را به خاطر قصور در پیروی از چنین اقداماتی در نظر بگیرد و...».

این ماده به دنبال فراهم نمودن شرایطی جهت جلوگیری از وقوع جرایم مالی است؛ ازاین‌رو تدابیری پیش‌بینی نموده که بیشتر جنبه پیشگیری داشته و لذا مجازات‌محور نیست. اما مطابق ماده ۲۱:

«هر کشور عضو، با اتخاذ قوانین و سایر اقدامات مقتضی، مدنظر قرار خواهد داد تا موارد زیر، در صورتی که به‌صورت عمدی در خلال فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا بازرگانی ارتکاب یافته باشد، جرم کیفری تلقی شود:

الف- وعده، ارائه یا دادن مستقیم یا غیرمستقیم امتیاز بی‌مورد به هر شخص که در هر جایگاهی برای بخش خصوصی فعالیت یا آن را اداره می‌کند، برای خود آن شخص یا شخص دیگر، برای اینکه وی با زیر پا گذاشتن وظایف خود، عملی را انجام دهد یا از انجام آن خودداری نماید.

ب- درخواست یا قبول مستقیم یا غیرمستقیم امتیاز بی‌مورد توسط هر شخص که در هر جایگاهی برای بخش خصوصی فعالیت یا آن را اداره می‌کند، برای خود آن شخص یا شخص دیگر، برای اینکه وی با زیر پا گذاشتن وظایف خود، عملی را انجام دهد یا از انجام آن اجتناب ورزد و...».

با توجه به تصویب کنوانسیون مریدا توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، در قوانین داخلی ایران نیز باید به ارتشای خصوصی توجه گردد (Farahmandfar, 2009).

برخی کشورها

در جهان ۲۰۵ کشور مستقل وجود دارد که بررسی قوانین تمام آن‌ها در باب رشوه خصوصی نه ممکن است و نه ضروری؛ لذا جهت تطبیق و الگوبرداری از کشورهای دیگر، تنها به قانون کشورهای مصر و انگلستان که اوضاع و احوال قانون‌گذاری آن‌ها شبیه به کشور ماست، پرداخته می‌شود.

مصر: شباهت بسیاری حتی در نحوه شماره‌گذاری قوانین مصر و ایران وجود دارد (Hajarian, 2011). قانون‌گذار مصری در ماده ۱۰۳ قانون عقوبات مصر، پذیرش وعده توسط کارمند عمومی را رشوه قلمداد نموده و در ماده ۱۰۴ قانون مذکور، قضات و هر شخصی را که کارمند عمومی نیست نیز مشمول مقررات دانسته است. قانون‌گذار مصری در ماده ۱۰۶ مکرر قانون عقوبات به رشوه غیردولتی توجه داشته است و اشاره می‌دارد هر یک از اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های سهامی یا تعاونی طبق قواعد مقرر قانونی، منفعتی از شرکت یا مؤسسه‌ای که دارای منفعت عمومی است، یا مدیر یا کارمندان آن شرکت، برای خودش یا دیگری درخواست نماید یا بپذیرد، مرتشی محسوب شده و به حداکثر ۷ سال مجازات حبس و حداقل ۵۰۰ جنیه یا حداکثر میزانی که هدیه گرفته است، محکوم می‌گردد (Yaqouti, 2021).

انگلستان: آخرین مقررات حاکم در خصوص مبارزه با فساد در انگلستان در سال ۲۰۱۰ میلادی به تصویب رسید و در سال ۲۰۱۲ اجرایی شد که هدف از تصویب این مقررات، برخورد مناسب‌تر با فساد و کاهش آن بوده است. مقررات مذکور، دادن و گرفتن رشوه را مورد جرم‌انگاری قرار داده و رشوه مقامات بین‌المللی را نیز مورد توجه قرار داده است و حتی عدم ممانعت نهادهای تجاری از تحقق رشوه را مورد جرم‌انگاری قرار داده است. لذا اگر هر یک از اشخاص شرکت‌های تجاری، اعم از خصوصی و دولتی، جهت کسب امتیاز تجاری و کسب سود برای شرکت تجاری به شخصی رشوه پرداخت نمایند، شرکت مزبور مجرم محسوب می‌گردد و تنها راه رهایی از مجازات آن است که اثبات نماید تمام تلاش خویش را در جهت ممانعت از تحقق رشوه انجام داده است که اثبات تحقق مسائل مذکور با مراجع قضایی است (Nofallah, 2015).

مبانی

قطعاً اینکه قانون‌گذار عملی را جرم‌انگاری نماید، نیازمند وجود یک نیروی الزام‌آور است تا هر انسان معقولی چنین جرم‌انگاری را موجه تشخیص دهد که به آن مبانی جرم‌انگاری گفته می‌شود (Mansourabadi & Riahi, 2012). با توجه به اصل ۴ قانون اساسی، در ادامه مبانی فقهی جرم‌انگاری ارتشا در بخش خصوصی مورد واکاوی قرار می‌گیرد و بعد از آن، مبانی حقوقی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. منظور از مبانی فقهی، مستندات، یعنی منابع احکام شرعی از جمله قرآن و سنت، است و منظور از مبانی حقوقی، فلسفه و چرایی قانون است.

مبانی فقهی

ادله حرمت رشوه عبارت است از قرآن، سنت، اجماع و عقل که به بررسی هر یک در باب اثبات حرمت رشوه در بخش خصوصی می‌پردازیم.

قرآن کریم

می‌توان گفت آیه ۲۹ سوره نساء، آیه ۱۸۸ سوره بقره، آیه ۶۳ سوره مائده و آیه ۲ سوره مائده (آیه تعاون) به بحث رشوه نظر داشته‌اند؛ لذا به‌وسیله این آیات می‌توان اثبات نمود که رشوه حرام است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ ۚ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا»؛ ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به ناحق مخورید، مگر آنکه تجارتی باشد که از روی رضا و رغبت کرده و سودی برید (نساء، ۲۹).

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ و مال یکدیگر را به ناحق مخورید و آن را نزد قاضیان نیفکنید که به وسیله رشوه و زور، پاره‌ای از اموال مردم را بخورید، با آنکه بطلان دعوی خود را می‌دانید (بقره، ۱۸۸).

منظور از اکل از نظر لغویون، تصرف، انتفاع و استفاده است و این استفاده می‌تواند نسبت به مال بخش دولتی و بخش خصوصی نیز صورت گیرد. واژه مال نیز صیغه ماضی میل است و علامه طباطبایی مال را ملکی می‌داند که نسبت به آن میل و رغبت وجود دارد، یا در تعریف دیگر اعلام گردیده است هر چیزی که در عرف دارای ارزش اقتصادی است و مبادله می‌شود (Tabatabaei, 1995). مال شامل هم مال بخش دولتی است و هم بخش خصوصی. با توجه به اطلاق لفظ در آیات مذکور، به روشنی می‌توان نظر شارع بر حرمت رشوه خصوصی را نتیجه گرفت.

لذا در خصوص لفظ حاکم در آیه ۱۸۸ سوره بقره نیز لفظ حاکم به معنای صرفاً قاضی نیست، بلکه کل طبقه حاکم را شامل می‌شود. در بخش خصوصی نیز بخش حاکم وجود دارد؛ لذا حاکم می‌تواند هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی باشد (Habibzadeh, 2000).

خداوند متعال در آیه ۶۳ سوره مائده می‌فرماید:

«لَوْ لَا يَنْهَاكُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ ۚ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»؛ چرا علما و روحانیون آن‌ها را از گفتار زشت و خوردن مال حرام باز نمی‌دارند؟ همانا کاری بسیار زشت را پیشه خود نمودند.

در خصوص لفظ سحت، با اینکه سحت انواع گوناگونی دارد، صاحب مجمع‌البیان سحت را رشوه قلمداد نموده است (Tabarsi, 1994) و از این رو، با توجه به کلی بودن رشوه، موضوع شامل بخش خصوصی نیز می‌شود.

خداوند متعال در آیه ۲ سوره مائده می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۖ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»؛ باید با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید، نه بر گناه و ستمکاری. با توجه به آنکه رشوه دادن کمک به ظلم و ستم است و رشوه دادن، چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، کمک به اثم و عدوان بوده و حرام است، رشوه در بخش خصوصی حرام بوده و شرایط جرم‌انگاری آن نیز از نظر مبانی فقهی فراهم است.

عمومیت یا الغای خصوصیت از روایات مربوط به رشوه

روایات متعددی در خصوص پلیدی رشوه مطرح گردیده است. اکثر آن‌ها به حرمت رشوه در باب قضا پرداخته‌اند، برخی رشوه را به طور مطلق مورد نکوهش قرار داده‌اند و برخی نیز رشوه در خصوص کارمندان حکومتی را مورد نکوهش قرار داده‌اند؛ اما در باب رشوه خصوصی، روایاتی به طور صریح مطرح نگردیده است. با این حال، می‌توان با توجه به روایات مطلق، حرمت آن را استنباط نمود. از جمله از امام صادق روایت گردیده است که رشوه در موارد صدور حکم، کفر به خدا و رسول او است. این روایت از نظر سند صحیح و از نظر روایت بلاشکال است. با این وجود، صرفاً در خصوص رشوه در حکم بحث نموده و از این باب نمی‌توان رشوه در بخش خصوصی را اثبات نمود. با این حال، روایاتی وجود دارد که به طور مطلق در باب رشوه بحث نموده و می‌توان به آن‌ها استناد نمود؛ از جمله:

«ایام و الرشوة فإنها محض الكفر و لا یشم صاحب الرشوة ریح الجنة» (Majlisi, 1983). در این روایت، پیامبر اسلام ضمن برحذر داشتن مسلمین از رشوه می‌فرمایند رشوه کفر محض به خداوند متعال است و صاحب رشوه و عوامل آن، بوی بهشت به مشامشان نمی‌رسد. در این

روایت، رشوه به طور مطلق بیان شده است و هم مشمول بخش خصوصی و هم دولتی می‌گردد. می‌توان از این روایت حرمت رشوه را استنباط نمود.

همچنین امام رضا (ع) در تفسیر آیه «اکالون السحت» فرموده‌اند منظور از خورنده سحت کسی است که حاجت برادر مؤمنش را برطرف می‌کند و آنگاه هدیه‌اش را می‌پذیرد. کلمه حاجت مطلق است و شامل هم بخش خصوصی و هم بخش دولتی می‌شود. از طرفی، در برخی از روایات آمده است که علت حرمت رشوه، از بین رفتن مال است (Saduq, 2019) و این علت در رشوه خصوصی نیز موجود است. امام باقر (ع) نیز فرمودند:

«قد علم الله انه یكون حکام یحکمون بغير الحق فنهی آن یتحاکم الیهم لانهم لایحکمون بالحق فیبطل الاموال»؛ خداوند دانست که حاکمانی به حق و عدالت حکم نمی‌کنند؛ از این رو از بردن حکم نزد ایشان نهی فرمود، زیرا آن‌ها به حق حکم نمی‌کنند و سبب تباهی اموال می‌شوند (Golpayegani, 1992).

روشن است که تباهی اموال صرفاً در بخش دولتی نیست و در بخش خصوصی نیز راه دارد. حال، با توجه به روایات مذکور، روشن است که رشوه در بخش دولتی و خصوصی حرام و مذموم است. با توجه به مطالب فوق، می‌توان برای حرمت رشوه در بخش خصوصی به قاعده «التعزیر لکل حرام» نیز استناد نمود. مطابق این قاعده، هر عمل حرامی که شرع برای آن حد تعیین ننموده است، تعزیر دارد. البته استناد به این قاعده و برخی ادله‌ای که در ادامه خواهد آمد، تنها اثبات می‌کند که رشوه خصوصی حرام است، ولی نه به عنوان رشوه، بلکه به عنوان فعل حرام.

اجماع

در خصوص حرمت رشوه و اجماع بایستی عنوان نمود در باب حرمت رشوه در قضا، به طور قطع می‌توان گفت در این باب بین مسلمین اجماع وجود داشته و ایرادی وجود ندارد. از جمله محقق کرکی در جامع المقاصد می‌نویسد: «اجمع اهل الاسلام علی تحریم الرشای فی الحکم»؛ مسلمانان در حرمت رشوه در قضا اجماع کرده‌اند (Muhaqqiq Karaki, 1992). اما آیا در باب رشوه خصوصی نیز می‌توان بنا بر اجماع حرمت آن را احراز نمود؟ از این باب، برخی صرف نظر از نوع اجماع، بر اجماعی بودن حرمت رشوه تأکید داشته و آن را از ضروریات جامعه اسلامی قلمداد نموده‌اند. از جمله صاحب جواهر و شهید ثانی بر اجماعی بودن حرمت رشوه در خصوص قاضی و عامل نظر داشته و هم به اجماع محصل و هم مدرکی در این باب استناد نموده‌اند. از این رو، شهید ثانی در مسالک الافهام اعلام داشته است: «اتفق المسلمون علی تحریم الرشوه علی القاضی و عامل»؛ مسلمانان بر حرمت رشوه بر قاضی و عامل اتفاق نظر دارند (Najafi, 1996). اما با توجه به مدرکی بودن این اجماع، برخی این اجماع را نپذیرفته‌اند (Rouhani, 1965). لذا می‌توان نتیجه گرفت در باب رشوه قاضی اجماع وجود داشته است، اما در باب ارتشای بخش خصوصی، گرچه می‌توان از برداشت برخی از فقهای عظام در این باب نیز به اجماع استناد نمود، با توجه به ایرادات وارد بر آن توسط برخی از فقها، جهت احراز حرمت رشوه در بخش خصوصی لازم است به سایر ادله فقهی نظر داشت.

عقل

عقل ظلم را نمی‌پذیرد و هر امری را که سبب تحقق ظلم و عدوان گردد، نکوهش می‌کند. از طرفی، زمانی بحث رشوه مطرح می‌شود که بخواهیم حقی را از بین برده یا سبب ظلم و عدوان گردیم؛ لذا عقل به طور مطلق با رشوه مخالف است و آن را نکوهش می‌کند. چه رشوه در بخش دولتی تحقق یابد و چه در بخش خصوصی، عقلاً این مورد نکوهش قرار می‌گیرد. چه بسا زمانی که هم بخش خصوصی و هم بخش

دولتی متصدی یک امر باشند؛ برای مثال، اگر هر دو بخش متصدی امور بانکی یک کشور باشند، قطعاً نمی‌توان رشوه را در بخش دولتی جرم بدانیم، اما در بخش خصوصی این عمل را مباح قلمداد نماییم. لذا از باب عقلی نیز رشوه به‌طور مطلق، هم در بخش خصوصی و هم در بخش دولتی، نیازمند جرم‌انگاری است (Javidi et al., 2021). از این‌رو، قانون‌گذار پس از تصویب قانون تشدید در سال ۱۹۸۸، با توجه به مقتضیات زمان، در خصوص بخشی از اشخاص بخش خصوصی رشوه را جرم‌انگاری نمود و در ماده ۵۸۸ ق.م.ا.ت. رشوه را در خصوص داوران، کارشناسان و ممیزان جرم‌انگاری نمود و در حال حاضر نیز با گسترش بخش خصوصی و مصالح موجود در کشور، قانون‌گذار با توجه به مواد ۲۰۰ و ۲۰۳ لایحه تعزیرات ۲۰۲۲ به دنبال جرم‌انگاری کامل رشوه در بخش خصوصی است که عقلانی بودن جرم‌انگاری رشوه به‌طور مطلق را اثبات می‌نماید. از طرفی، همان‌طور که در ابتدای امر اشاره شد، عقل با ظلم و ناحقی مخالف است؛ از این‌رو، اگر شخصی از باب ناچاری به ارتکاب امر ناپسند رشوه بپردازد، عقلاً نمی‌توان او را مجرم قلمداد نمود؛ چراکه از باب ناچاری مرتکب چنین اقدام ناپسندی گردیده است. لذا قانون‌گذار در سال ۱۹۹۶ در قانون تعزیرات، در ماده ۵۹۱ ق.م.ا.ت. به این امر توجه داشته و چنین شخصی را از مجازات معاف نموده، اما این امر را صرفاً در خصوص راشی عنوان نموده است، حال آنکه این امر در خصوص مرتشی نیز امکان‌پذیر بوده که نیازمند توجه قانون‌گذار است. اما با این وجود، توجه به این امر در لایحه تعزیرات ۲۰۲۲ نیز مورد غفلت واقع شده و نیازمند توجه است.

مبانی حقوقی

اما مقتضیات زمان، مهم‌ترین ضرورت جرم‌انگاری رشوه در بخش خصوصی است. این مقتضیات اعم از مضرات رشوه در بخش خصوصی و منافع و آثار جرم‌انگاری رشوه در این بخش است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

اقتضائات اجتماعی و فرهنگی

اشخاصی که دارای مسئولیت هستند، با توجه به شرایط اقتصادی و فقدان ایمان و باور کافی به معاد، دست به اخذ رشوه زده و از این طریق درآمد هنگفتی به دست می‌آورند. افراد با این اقدام سبب می‌شوند کم‌کم ارزش‌ها در جامعه تغییر یابد و ارتقای سطح زندگی به هر قیمتی ارزش محسوب شود و سپس مسئولیت‌پذیری شغلی به فراموشی سپرده شود. از طرف دیگر، چون این افراد برخلاف صلاحیت، منصبی را کسب کرده‌اند، دارای ایمان ضعیف بوده و در وظایف نیز چون نمی‌توانند، اقدام ناشایستی را انجام داده و از این طریق بر فعالیت مولد در کشور اثر گذاشته و جامعه رو به تباهی پیش می‌رود. لذا این موارد نیز ضرورت جرم‌انگاری در بخش خصوصی را به بهترین شکل نشان می‌دهد (Hamdami Khotbeh-Sara, 2004).

اقتضائات اقتصادی

تأثیر جرم‌انگاری ارتشای خصوصی بر اقتصاد کشور می‌تواند به شرح زیر باشد: کاهش هزینه دولت؛ حفظ اعتماد عمومی: جرم‌انگاری ارتشای خصوصی باعث حفظ اعتماد عمومی به نظام اقتصادی و حکومت می‌شود (Afoso & Delbio, 2005)؛ کاهش فساد: این اقدامات باعث کاهش فساد مالی و اقتصادی می‌شود و به توسعه اقتصادی کمک می‌کند؛ حفظ تعادل اقتصادی: جرم‌انگاری ارتشای خصوصی باعث حفظ تعادل اقتصادی و جلوگیری از تحریف بازار می‌شود؛ افزایش سرمایه‌گذاری: با کاهش فساد و افزایش اعتماد عمومی، سرمایه‌گذاران بیشتری به کشور جذب می‌شوند و این باعث رشد اقتصادی می‌شود؛ و در نهایت، کاهش هزینه‌های دولت: با کاهش فساد، هزینه‌های دولت افزایش می‌یابد.

حفظ سلامت سازمان‌ها

زمانی که یک کارمند چنین اقدامی را انجام می‌دهد و به سطحی از رفاه می‌رسد، کارمندان دیگر نیز همین روش را ادامه می‌دهند و از این رو، به جای شایسته‌سالاری، بحث رشوه و پارتی‌بازی رونق گرفته و سلامت یک دستگاه از بین می‌رود و پایه حاکمیت روزبه‌روز فرسوده‌تر شده و در نهایت متلاشی می‌گردد.

حفظ اعتماد عمومی

با توجه به اینکه قراردادهای مختلفی در زمینه فنی و پزشکی در حال انعقاد بوده و بسیاری از مسائل، مانند ساخت‌وساز و دارو، نیز مربوط به این مسائل است، در صورتی که رشوه در جامعه کنترل نشود، سبب می‌شود افرادی بدون ضابطه و حکم قانونی مناصب مهم را در دست بگیرند و با اقدامات غیرکارشناسانه خویش سبب خسارت‌های متعددی به مردم گردند که در این صورت، اعتماد عمومی از بین می‌رود.

اشاره به برخی موانع پیش‌رو و راه‌حل آن‌ها

هر چیزی برای وجود نیاز به مقتضی دارد و عدم مانع. آنچه در قسمت قبل با عنوان مبانی فقهی و حقوقی بیان شد، تنها اثبات می‌کند که جرم‌انگاری رشوه مقتضی دارد. اما ممکن است مانع یا موانعی جلوی مقتضی را بگیرد که باید راه‌حلی برای آن جست. در بحث حاضر نیز موانعی متصور است که مهم‌ترین آن، عدم ضرورت جرم‌انگاری خاص با وجود جرم بودن تحصیل نامشروع مال دیگری است که در ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری آمده است.

پاسخ آن است که اولاً، در وجود چنین عنوان مجرمانه‌ای (تحصیل مال از طریق نامشروع) اختلاف نظر است؛ زیرا ممکن است گفته شود قانون‌گذار مطلق تحصیل مال از طریق نامشروع را جرم‌انگاری نکرده، بلکه تنها تحصیل مال از طریق نامشروعی را که در مورد جواز صادرات و واردات و موافقت اصولی و... است، جرم‌انگاری نموده است؛ یعنی ذیل ماده ۲ را با توجه به صدر ماده ۲ باید تفسیر کرد. ثانیاً، اگر تحصیل مال از طریق نامشروع به‌طور کلی جرم باشد، دیگر نیازی به جرم‌انگاری عمده جرایم علیه اموال نیست؛ چون در سرقت، خیانت در امانت، اختلاس و ارتشا نیز نوعی تحصیل مال از طریق نامشروع وجود دارد. بنابراین، عناوین مجرمانه موجود برای جرم‌انگاری رشوه در بخش خصوصی کفایت نمی‌کند.

شیوه‌های جرم‌انگاری رشوه خصوصی

جرم‌انگاری رشوه در بخش خصوصی به سه شیوه مختلف ممکن است:

۱- جرم‌انگاری از طریق توسعه ماده ۳ قانون تشدید و ماده ۵۸۸ قانون تعزیرات ۱۹۹۶: قانون‌گذار می‌تواند با آوردن یک تبصره، شمول این مواد را بر بخش خصوصی بیان نماید. این راه، علی‌رغم سادگی و کم‌هزینه بودن، مشکلاتی را در عمل ایجاد می‌کند؛ به علت آنکه رشوه در بخش دولتی با بخش خصوصی تفاوت‌های اساسی دارد.

۲- جرم‌انگاری با وضع قانون جدید، اما با عنوانی غیر از رشوه: قانون‌گذار می‌تواند رشوه در بخش خصوصی را با عنوانی غیر از رشوه، مثل تحصیل مال از طریق نامشروع یا عنوانی دیگر، جرم‌انگاری نماید. مبنای این راه آن است که رشوه را خاص قضاوت بدانیم. این راه مناسب نیست؛ چون عنوان رشوه عنوانی است که در اذهان مردم به‌عنوان جرمی بسیار زشت و با قبح ذاتی شکل گرفته است و نباید عنوان دیگری انتخاب نمود.

۳- جرم‌انگاری با عنوان رشوه: سومین راه آن است که عنوان رشوه را برای رشوه خصوصی در نظر بگیرد. این راه از هر جهت مناسب است.

۷. ارزیابی لایحه تعزیرات ۲۰۲۲ در باب ارتشای خصوصی

در لایحه تعزیرات ۲۰۲۲، در فصل هفتم تحت عنوان جرایم علیه سلامت اداری، در مبحث اول، رشا و ارتشا و مباحث مربوط به آن در مواد ۲۰۰ تا ۲۱۰ مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. قطعاً ارزیابی دقیق این مواد و بررسی خلأهای قانونی نیازمند اجرایی شدن قانون و شناخت معضلات آن از طریق رویه قضایی، نظریات اداره حقوقی از باب طرح نظریات مشورتی و اعلام نظر دکترین است که در حال حاضر این قانون اجرایی نشده و به‌طور دقیق نیز مورد اظهارنظر صاحب‌نظران قرار نگرفته است. لذا نویسنده سعی دارد مواد مربوطه را تا جایی که در حال حاضر امکان‌پذیر است، مورد بررسی قرار دهد تا فرصتی برای ابراز نظر سایر محققین باشد و در آینده نیز با اجرایی شدن آن قانون، شرایط را برای پژوهش‌های کامل‌تر در این خصوص فراهم نماید. لذا با این مقدمه، به بررسی مواد ۲۰۰ تا ۲۱۰ لایحه تعزیرات ۲۰۲۲ با تأکید بر رشوه خصوصی می‌پردازیم.

۷-۱. دایره شمول رشا و ارتشا در لایحه تعزیرات ۲۰۲۲

در ابتدای امر، لازم به ذکر است که قانون‌گذار در ماده ۲۰۰ لایحه تعزیرات ۲۰۲۲ به دنبال جرم‌انگاری رشوه به‌طور کلی در خصوص مقامات دولتی بوده و همان مفاد ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۹۸۸ را ذکر نموده است، اما دایره شمول افرادی را که مشمول این مقرر می‌گردند افزایش داده و برای مثال، کارکنان شورای حل اختلاف، دانشگاه آزاد اسلامی و بخش خصوصی مأمور به خدمت عمومی را نیز مشمول مقرر ارتشا دانسته است که با توجه به اینکه اخذ رشوه، چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی، آثار نامطلوبی دارد، عملکرد مناسبی است. در خصوص تحلیل این ماده، بررسی افراد مشمول این ماده امر مطلوبی است، اما از محدوده موضوع مقاله خارج است که پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران در این زمینه به بررسی افراد مشمول ماده ۲۰۰ بپردازند. از طرفی، واضعین لایحه تعزیرات ۲۰۲۲ در ماده ۲۰۱ به نوآوری جدیدی دست زده‌اند و اعلام داشته‌اند اگر اخذ رشوه برای انجام وظایف شخص دیگری غیر از مرتشی باشد، اما مربوط به وظایف همان سازمانی باشد که شخص مرتشی در آن فعالیت دارد، مجازات حبس یک درجه تقلیل داده می‌شود. گرچه در قانون تشدید، در ماده ۳، اشاره شده است دریافت رشوه برای انجام وظایفی که مربوط به شخص مرتشی نبوده، اما مربوط به وظایف شخصی بوده است که در آن سازمان فعالیت داشته، در حکم رشوه محسوب می‌گردد، تعیین مجازاتی خفیف‌تر از مجازات شخصی که برای انجام وظایف درون سازمانی مربوط به خود وی رشوه دریافت می‌دارد، امری مفید محسوب می‌گردد که در لایحه تعزیرات به آن اشاره شده و از نوآوری‌های لایحه تعزیرات است.

در ادامه، در تشریح ماده ۲۰۲ لایحه تعزیرات نیز بایستی اعلام کرد این مقرر، بحث رشوه را در باب بخش خصوصی به‌صراحت مطرح نموده و نگاه ناقص قانون‌گذار در باب رشوه خصوصی در ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳ قانون تشدید را کامل نموده است که این موضوع از نوآوری‌های مهم این لایحه بوده که به تبعیت از کنوانسیون مریدا و مقتضیات زمان، رشوه را در بخش خصوصی جرم‌انگاری نموده است. گرچه در ماده ۲۰۰ لایحه تعزیرات ۲۰۲۲ و ماده ۲ لایحه مذکور به ارتشای کارمندان بخش خصوصی مأمور به خدمت عمومی اشاره شده است، واضعین لایحه تعزیرات ۲۰۲۲ با ذکر واژه کارمندان بخش خصوصی، دایره شمول ارتشا را به کلیه اشخاص بخش خصوصی گسترش داده و خلأ قانونی ارتشای خصوصی را رفع نموده‌اند. اما با توجه به اینکه در معنای مأمور به خدمت عمومی در بین صاحب‌نظران اختلاف وجود داشته و حتی می‌توان گفت درک درستی از این مفهوم و مصادیق آن وجود ندارد، شرایط ابهام در خصوص افراد بخش خصوصی و افرادی که مأمور به خدمت عمومی بوده و از اشخاص بخش خصوصی هستند، وجود دارد که لازم است واضعین لایحه تعزیرات

۲۰۲۲ این مفهوم را به درستی روشن نمایند. در ماده ۲۰۳ لایحه مذکور، واضعین کلیه اشخاصی را که مرتکب پرداخت رشوه به اشخاص مواد ۲۰۰، ۲۰۱ و ۲۰۲ می‌شوند، راشی اعلام داشته و برای آن‌ها مجازات تعیین نموده‌اند. اعلام لفظ راشی در این ماده و تأکید بر ماده ۲۰۲ که در مورد ارتشای بخش خصوصی است، نشان می‌دهد واضعین لایحه تعزیرات، هم کارکنان بخش خصوصی را که مرتکب اخذ رشوه می‌گردند و هم پرداخت‌کنندگان رشوه به آن‌ها را مطلقاً راشی و مرتشی قلمداد نموده و نظر گروهی را که رشوه را صرفاً در باب قضا یا نهایتاً در باب عمال دولتی قلمداد می‌کردند، رد نموده‌اند. لذا می‌توان گفت رشوه هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی جاری است و تفاوتی در این زمینه بین این دو بخش وجود ندارد.

مقرره ماده ۲۰۴ نیز که بیان داشته است اگر رشوه به‌طور کلی به دفعات واقع شود، جمع مبلغ یا امتیاز دریافت‌شده در تعیین مجازات ملاک است، مگر آنکه از باب مقررات تعدد، مجازات سنگین‌تری وضع گردد، در باب کلاهبرداری در قانون تشدید ذکر گردیده بود و در باب رشوه در رویه قضایی جاری بود، اما در متن مواد قانونی به‌طور صریح در خصوص رشوه ذکر نشده بود که به‌طور صریح در ماده ۲۰۴ لایحه تعزیرات ۲۰۲۲ قید گردیده است.

نقدی بر لایحه تعزیرات ۲۰۲۲ در باب رشا و ارتشا

در باب مقرره ماده ۲۰۵ لایحه مذکور بایستی عنوان داشت، گرچه در مقررات فعلی در خصوص وعده یا پیشنهاد دادن، پرداخت رشوه یا دریافت آن مقرره خاصی وجود ندارد و تعیین این مقرره از نوآوری‌های واضعین لایحه است، اما این مقرره صرفاً وعده یا پیشنهاد دادن، پرداخت یا دریافت رشوه را به اشخاص موضوع مواد یک و دو این قانون محدود نموده است. چه‌بسا اگر وعده یا پیشنهاد توسط کارکنان بخش خصوصی صورت گیرد، عمل جرم محسوب نمی‌شود؛ حال آنکه در حال حاضر تفاوتی بین بخش خصوصی و دولتی نیست، خصوصاً در مواقعی که بخش دولتی و خصوصی یک عمل را انجام می‌دهند. برای مثال، اگر در یک زندان که توسط بخش خصوصی اداره می‌شود، پیشنهاد رشوه دادن جرم نباشد، اما در زندان دیگری که دولتی است جرم محسوب شود، آیا این امر منطقی است؟ قطعاً پاسخ منفی است. لذا علی‌رغم وجود نوآوری در ماده ۲۰۵ لایحه، گسترش افراد مشمول ماده ۲۰۵ از ضروریات است. در ماده ۲۰۶، از باب تشویق افراد به عدم تکمیل اعمالی که علت تحقق رشوه محسوب گردیده، اعلام شده است اگر مرتشی پیش از انجام اعمال مذکور، وجه یا امتیازی را که دریافت داشته است به راشی مسترد یا به مراجع قضایی اعلام دارد، از مجازات وی کاسته می‌شود. این مقرره گرچه هدفش تشویق افراد به گزارش تحقق رشوه و جلوگیری از اجرای اقدامات غیرقانونی است، اما به نظر نگارنده تأثیر اساسی ندارد؛ چراکه فرد زمانی که در این فضای اقتصادی به وضعیت مالی مناسب می‌رسد و می‌داند در صورت گزارش عملکرد قطعاً مجازات می‌گردد، برای فرار از مجازات سکوت اختیار می‌نماید و از گزارش چنین عملی خودداری خواهد نمود. لذا پیشنهاد می‌گردد فرد با چنین عملی از مجازات معاف گردد، نه آنکه مجازات وی تخفیف داده شود.

در ماده ۲۰۷، عمل رانش نیز مورد جرم‌انگاری قرار گرفته و مجازات تعیین شده است، حال آنکه در قوانین فعلی نیز عمل رانش مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است و مقرره جدیدی نیست. اما با توجه به اینکه عمل رانش یک نوع معاونت در رشوه محسوب می‌گردد، مجازات مرتشی برای عمل رانش کمی غیرمنصفانه است و بهتر آن است که در تعیین مجازات، میزان مجازات معاون در نظر گرفته شود، نه مرتشی. در ماده ۲۰۸ لایحه مذکور اعلام گردیده است اگر مرتشی قبل از صدور کیفرخواست و پس از تعقیب، مال یا امتیاز را برگرداند، نصف مجازات در خصوص وی اعمال می‌گردد و در خصوص انفصال دائم یا محرومیت از مشاغل دولتی و حرفه‌ای، به انفصال موقت یا ممنوعیت درجه ۶

محکوم خواهد شد. این مقرر نیز به دنبال جلوگیری از اجرای کامل رشوه بوده است، اما بهتر آن است که جهت نتیجه‌بخش بودن مقرر مذکور، شخص از کل مجازات‌ها معاف شود و صرفاً از باب حفظ سلامت اداری، انفصال و محرومیت پابرجا بماند؛ چراکه چنین اشخاصی سلامت اداری را با مشکل روبه‌رو ساخته و حضور این افراد بلافاصله پس از ارتکاب جرم، سلامت نظام اداری را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. در خصوص ماده ۲۰۹ لایحه مذکور نیز در حال حاضر به‌طور کلی در ماده ۷ قانون تشدید ذکر شده است، اما از این باب به‌طور خاص در خصوص ارتشا این مقرر وضع گردیده و صراحتاً اشاره شده است کیفرخواست باید بلافاصله به مراجع ذی‌صلاح اعلام گردد که این مورد از ضروریات اجرای قانون و از نوآوری‌های آن است. اما بهتر آن است که از باب تسریع در اجرای تعلیق اشخاص خاطی، تأخیر و تعلل در اجرای مفاد ماده مذکور نیز جرم‌انگاری گردد تا این مقرر به‌درستی اجرا شود.

در خصوص مقرر ماده ۲۱۰ لایحه بایستی اعلام داشت این مقرر نیز در قوانین فعلی مطرح نشده بود و با توجه به اینکه اگر ارتشا به‌صورت سازمان‌یافته واقع شود، آثار بسیار شدیدتری دارد، تعیین مجازات خاص برای هر یک از افراد عضو آن گروه لازم و ضروری است که این امر در این ماده به‌خوبی مورد توجه قرار گرفته است. اما قطعاً مجازات رهبر یا سردهسته باید شدیدتر از سایر افراد باشد که این مهم در ماده ۲۱۰ لایحه مذکور مورد اشاره قرار نگرفته است. لذا با توجه به مقرر فعلی، سردهسته یا اعضا نیز باید به‌طور یکسان مجازات گردند. بنابراین، تعیین مجازات خاص برای سردهسته یا رهبر گروه سازمان‌یافته از خلأهای لایحه مذکور بوده و نیازمند اصلاح است.

نتیجه‌گیری

۱- اقتضائات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و نیز حفظ سلامت سازمان‌ها و حفظ اعتماد عمومی، جرم‌انگاری رشوه در بخش خصوصی را ایجاب می‌نماید. مبانی فقهی نیز جرم‌انگاری رشوه در بخش خصوصی را پشتیبانی می‌نماید. این مبانی بعضاً این عمل را نه با عنوان خاص خودش، بلکه با عنوان فعل حرام و اکل مال به باطل جرم‌انگاری می‌کند و گاه با عنوان خاص خودش؛ مثلاً در فرضی که بتوان اطلاق ادله حرمت رشوه را شامل رشوه خصوصی نیز دانست.

۲- اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، خصوصاً کنوانسیون‌های مریدا و پالرمو، بر جرم‌انگاری رشوه در بخش خصوصی تأکید دارند. گرچه ایران به کنوانسیون پالرمو نپیوسته است، اما چون به کنوانسیون مریدا پیوسته است، ضرورت جرم‌انگاری رشوه در بخش خصوصی در حقوق ایران بیش‌ازپیش مبرهن می‌گردد.

۳- جرم‌انگاری رشوه خصوصی در لایحه تعزیرات ۲۰۲۲ خود نشانگر آن است که قانون‌گذار به این خلأ توجه داشته است.

۴- باین‌وجود، لایحه تعزیرات ۲۰۲۲ دارای کاستی‌هایی نیز است که قانون‌گذار بایستی آن‌ها را رفع نماید؛ از جمله آنکه قانون‌گذار وعده یا پیشنهاد رشوه به کارمندان دولت و کارمندان بخش خصوصی مأمور به خدمت عمومی را جرم‌انگاری نموده است، اما در خصوص وعده یا پیشنهاد رشوه به سایر کارکنان بخش خصوصی ساکت است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Bribery is one of the most consequential manifestations of financial and administrative corruption and has traditionally been conceptualized primarily as an offense connected with the exercise of public authority. Conventional criminal-law approaches have therefore concentrated on bribery involving judges, civil servants, public officials, and persons entrusted with governmental functions. Nevertheless, the expansion of privatization, the delegation of public services to nongovernmental entities, and the increasing economic influence of commercial corporations have rendered the traditional public–private distinction increasingly inadequate. Private-sector employees and managers may now exercise substantial authority over employment, procurement, banking, healthcare, construction, insurance, education, and other economically or socially significant activities. Corrupt payments in these environments can distort professional decision-making, undermine fair competition, impair contractual loyalty, and inflict extensive losses on individuals, enterprises, and society. Despite these consequences, Iranian criminal legislation has not yet established a comprehensive and autonomous framework for private-sector bribery. Certain provisions, particularly those concerning arbitrators, experts, assessors, and persons entrusted with public services, may cover limited manifestations of private bribery, but their scope remains fragmented, ambiguous, and dependent on interpretive extension. This legal deficiency is especially significant because the intrinsic wrongfulness of bribery does not necessarily depend on whether the recipient is formally employed by the government. The essential harm arises from the improper exchange of an advantage for the breach, distortion, or commercialization of a professional, fiduciary, contractual, or organizational duty. Accordingly, the criminalization of private-sector bribery is supported by contemporary developments in criminal policy, the internationalization of anti-corruption standards, and the need to preserve confidence in both public administration and private economic institutions ([Mir Mohammad Sadeqi, 2021](#); [Nofallah, 2015](#); [Yaqouti, 2021](#)).

The conceptual delimitation of private-sector bribery requires clarification of the terms bribery, private sector, and person entrusted with a public service. Bribery, in its general sense, encompasses both the giving and the receiving of an undue advantage in exchange for the performance, nonperformance, distortion, or acceleration of an act connected with the recipient's duties. Lexically, the term conveys the idea of providing something as a means of facilitating the achievement of an intended objective, while classical definitions describe it as an advantage given to a judge or another person to induce a favorable decision or desired conduct ([Moein, 1998](#); [Zabidi, 1960](#)). In the private-sector context, bribery commonly involves the transfer or promise of an advantage to an employee, agent, manager, consultant, or decision-maker without the knowledge or authorization of the employer or principal, with the purpose of improperly influencing commercial or organizational judgment ([Callmann, 1968](#)). The private sector may broadly be understood as comprising natural and legal persons that lack an administrative or employment relationship with the state and conduct commercial, professional, charitable, or other nongovernmental activities. However, this category may overlap with entities entrusted with functions of public significance. The expression “person entrusted with a public service” has historically generated considerable interpretive difficulty in Iranian law because it may refer either to persons falling within an older statutory enumeration or, more broadly, to persons performing activities of public interest under the supervision of a governmental or public institution ([Mansourabadi, 2021](#); [Vaezi & Alborzi, 2017](#)). This ambiguity has enabled judicial efforts to extend public-sector bribery provisions to certain private actors, but such interpretive techniques cannot substitute for clear legislative criminalization. A coherent statute should therefore distinguish ordinary private-sector employees from private persons exercising

delegated public functions while ensuring that corrupt conduct in both categories is addressed through proportionate and sufficiently precise rules.

The current legal position in Iran demonstrates that private-sector bribery has been recognized only indirectly and incompletely. Article 588 of the Islamic Penal Code criminalizes corrupt payments involving arbitrators, experts, and assessors, thereby acknowledging that bribery may occur outside conventional governmental employment. Similarly, Article 3 of the Law on Intensifying the Punishment of Perpetrators of Bribery, Embezzlement, and Fraud applies to persons entrusted with public services, a concept that may include some actors working in nongovernmental institutions. Judicial practice, including interpretations associated with Unification Judgment No. 798, indicates an attempt to broaden the understanding of public-service personnel and to remedy certain statutory gaps. Nevertheless, these provisions neither establish a general offense of private commercial bribery nor clearly cover all employees, managers, agents, and directors of private entities. By contrast, international anti-corruption instruments have increasingly recognized that corruption within private economic activity requires independent regulation. The United Nations Convention against Transnational Organized Crime addresses corruption involving public officials and persons performing public functions, while the United Nations Convention against Corruption adopts a more explicit approach to the private sector. Its preventive provisions require states to improve accounting, auditing, transparency, and integrity standards in private organizations, whereas its criminalization provisions call upon states to consider penalizing the intentional offering, giving, requesting, or acceptance of an undue advantage in the course of economic, financial, or commercial activities when the conduct involves a breach of duties. Iran's accession to the United Nations Convention against Corruption strengthens the legislative obligation to adopt effective domestic measures against private bribery (Afoso & Delbio, 2005; Farahmandfar, 2009; Nazari Monazzam & Vatankhah, 2016). Comparative experience also demonstrates the feasibility of such criminalization. Egyptian law extends bribery-related liability to certain persons outside conventional public employment, while the United Kingdom Bribery Act criminalizes active and passive bribery and imposes corporate liability for failure to prevent bribery, subject to an adequate-procedures defense (Hajarian, 2011; Nofallah, 2015; Yaqouti, 2021).

The jurisprudential foundations for criminalizing private-sector bribery may be derived from the Qur'an, the Sunnah, consensus, reason, and general principles authorizing discretionary punishment for prohibited conduct. Qur'anic prohibitions against consuming property unlawfully, presenting wealth to rulers in order to acquire the property of others wrongfully, consuming illicit gains, and cooperating in sin and aggression provide a broad normative basis for condemning corrupt exchanges. The concept of unlawful consumption of property is not confined to public assets; it encompasses the improper acquisition, enjoyment, or transfer of any property possessing economic value, including property belonging to private persons and institutions (Tabatabaei, 1995). Likewise, although the Qur'anic reference to rulers has often been associated with judicial or governmental authority, it may be understood more broadly as encompassing persons exercising decision-making power over the rights, interests, or property of others (Habibzadeh, 2000). The interpretation of illicit gain as including bribery further supports the general prohibition of corrupt benefits (Tabarsi, 1994). Prophetic and Imami traditions strongly condemn bribery, sometimes in the context of adjudication and sometimes in absolute terms, describing it as a grave violation incompatible with religious and moral integrity (Majlisi, 1983). Other traditions condemn the acceptance of a gift after satisfying another person's need and identify the destruction or invalidation of property as one of the reasons for prohibiting bribery, a rationale equally applicable to private-sector transactions (Golpayegani,

1992; Saduq, 2019). Juristic consensus is especially strong regarding bribery involving judges and governmental agents, although its extension to all forms of private bribery remains contested (Muhaqqiq Karaki, 1992; Najafi, 1996; Rouhani, 1965). Even where bribery cannot be established under a narrowly defined traditional category, it may still be punishable as an unlawful act, an instance of wrongful appropriation, or conduct subject to discretionary punishment. Rational analysis also rejects a legal distinction that criminalizes corrupt influence in a state-owned bank, hospital, or prison while tolerating identical conduct in a privately operated institution performing the same function (Javidi et al., 2021).

The legal and policy foundations of criminalization derive from the substantial social, cultural, economic, and institutional harms generated by private bribery. At the social and cultural level, bribery normalizes the belief that economic advancement, professional promotion, or access to scarce services may legitimately be obtained through personal payments rather than merit, entitlement, or lawful procedure. Once corrupt practices become embedded in organizational culture, professional responsibility weakens, employees imitate successful offenders, and favoritism replaces competence and accountability. Such developments erode the moral structure of employment relations and gradually transform corruption from exceptional misconduct into an accepted method of achieving ordinary objectives (Hamdami Khotbeh-Sara, 2004). Economically, private bribery distorts prices, procurement processes, credit allocation, recruitment, competition, and investment decisions. It may increase production and transaction costs, direct contracts toward inefficient firms, reduce the quality of goods and services, and discourage domestic and foreign investment. It also creates indirect public costs because the state must respond to defective construction, unsafe medicines, financial failures, market distortion, and the collapse of confidence in regulated industries. Institutionally, bribery undermines the integrity of organizations because employees who obtain illicit benefits may encourage others to adopt the same conduct, thereby replacing meritocracy with patronage and corrupt exchange. Public trust is equally affected when technical, medical, financial, or commercial decisions are made by persons whose judgment has been purchased. The criminal law must nevertheless be formulated with precision. Existing offenses, such as unlawful acquisition of property, are insufficient because bribery harms not only property interests but also loyalty, impartiality, competition, institutional integrity, and confidence in decision-making. A special bribery offense is therefore required, and the most appropriate legislative technique is to criminalize the conduct expressly under the title of bribery rather than subsume it under a more general property offense (Afoso & Delbio, 2005; Mansourabadi & Riahi, 2012).

The 2022 Ta'zirat Bill represents an important legislative effort to remedy the deficiencies of existing Iranian law by expanding the scope of bribery provisions and expressly addressing private-sector conduct. Its provisions extend liability beyond traditional state officials, recognize bribery involving private employees, regulate active and passive bribery, address repeated payments, criminalize certain promises and offers, provide rules concerning restitution and cooperation, penalize intermediaries, and impose aggravated liability where bribery is committed in an organized manner. Nevertheless, several deficiencies remain. The Bill should define the relationship between ordinary private employees and persons entrusted with public services more clearly, because the current conceptual overlap may generate inconsistent judicial interpretations. The criminalization of promises and offers should apply uniformly to private and public contexts whenever the protected duty and the harmful mechanism are functionally identical. The liability of intermediaries should be proportionate to their participatory role rather than automatically equated with that of the principal recipient. Provisions encouraging voluntary disclosure and restitution should also be designed to

create a genuine incentive for abandoning the corrupt agreement while preserving necessary employment-related disqualifications where organizational integrity has been seriously compromised. Organized bribery requires differentiated punishment for leaders, organizers, and ordinary participants, and corporate liability should be considered where bribery is committed for the benefit of a legal entity or facilitated by defective compliance systems. Ultimately, a coherent legal regime should criminalize both the giving and receiving of undue advantages in private economic activity, define the relevant breach of duty, include direct and indirect benefits, cover advantages granted to third parties, distinguish completed offenses from offers and promises, and establish proportionate sanctions for natural and legal persons. Such reform would harmonize Iranian criminal law with its jurisprudential foundations, international commitments, comparative legislative developments, and the practical realities of an expanding private sector.

References

- Afoso, A., & Delbio, P. (2005). *Legal Frameworks for Combating Financial Corruption* (1st ed.). Research Center of the Islamic Consultative Assembly.
- Callmann, R. (1968). *The Law of Unfair Competition, Trademarks and Monopolies* (3rd ed.).
- Farahmandfar, H. (2009). Obligations of the Iranian legislator after accession to the United Nations Convention against Corruption. *Agah Scientific Quarterly*, 2(7).
- Golpayegani, M. R. (1992). *Kitab al-Qada*. Dar al-Qur'an.
- Habibzadeh, M. J. (2000). Bribery from the perspective of Iranian criminal law and jurisprudence. *Modarres Journal*.
- Hajarian, M. H. (2011). *Penal Code of the Arab Republic of Egypt* (1st ed.). Tarh-e Novin Publications.
- Hamdami Khotbeh-Sara, A. (2004). *Financial Corruption: Causes, Contexts, and Strategies for Combating It*. Institute for Strategic Studies.
- Javidi, M., Rahimi, M., & Soleimani, S. (2021). Feasibility of criminalizing bribery and bribe-taking in the private sector based on the foundations of Imamiyyah jurisprudence. *Journal of Jurisprudence and Principles, Ferdowsi University of Mashhad*(2).
- Majlisi, M. B. (1983). *Bihar al-Anwar* (Vol. 101). Al-Wafa Institute.
- Mansourabadi, A. (2021). The concept and examples of officials assigned to public services: A critique of Unification Judgment No. 798. *Modern Administrative Law Research Quarterly*, 9(3).
- Mansourabadi, A., & Riahi, J. (2012). Conceptualizing foundations in legal research. *Legal Research Journal*(22).
- Mir Mohammad Sadeqi, H. (2021). *Crimes against the Public Interests of the Country* (1st ed.). Mizan Publications.
- Moein, M. (1998). *Persian Dictionary*. University of Tehran Press and Publishing Institute.
- Muhaqqiq Karaki, A. (1992). *Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id* (1st ed., Vol. 4). Al al-Bayt Publications.
- Najafi, M. H. (1996). *Jawahir al-Kalam* (Vol. 4). Society of Seminary Teachers of Qom.
- Nazari Monazzam, M., & Vatankhah, H. (2016). Combating corruption from the perspective of Iranian laws and the international Merida Convention. *International Police Studies Quarterly*, 6(28).
- Nofallah, G. (2015). *Bribery in the Private Sector* (1st ed.). Majd Publications.
- Rouhani, M. S. (1965). *Fiqh al-Sadiq*.
- Saduq, M. i. A. i. B. Q. (2019). *Thawab al-A'mal*.
- Tabarsi, F. i. H. (1994). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. A'lami.
- Tabatabaei, M. H. (1995). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (5th ed.). Islamic Publications Office.
- Vaezi, S. M., & Alborzi, Z. (2017). The place of the concept of public services in Iranian law. *Administrative Law Quarterly*, 4(12).
- Yaqouti, E. (2021). *Reconsidering the realization of the title of bribery in the private sector from the perspective of jurisprudence and positive law* (1st ed.). Pezhvak-e Edalat.
- Zabidi, M. M. (1960). *Taj al-Arus min Jawahir al-Qamus*. Al-Maktabah al-Hayah.